مرور و معرفی کتاب

المرشد أوالفصول «بوبکر محمد زکریای رازی»

سایر محمدی

رازی در پی دستیابی به آوازه جهانی در رشته‌های گوناگون دانش بشری در تاریخ کهن ایران‌زمین، اقدام به نگارش کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون به ویژه در دانش پزشکی کرده که هر کدامشان از ارزش و مرتبت بالایی برخوردار است. کتاب «المرشد» او ستاره‌ای درخشان میان نوشته‌هایش بوده زیرا ارزش این کتاب را از چند جهت می‌توان ارزیابی کرد.

نخست می‌توان زمان نگارش این کتاب را به درستی دوره پایانی نوشتاری او دانست.

دوم: کتابی است جیبی (Handbook) که به طور خلاصه همه مباحث و موضوع‌های پزشکی آن روزگار را گرد آورده و در پایان هر بخش یا هر موضوعی آدرس یک یا چند کتاب خود و یا بزرگان نامبرده دانش پزشکی را می‌آورد.

سوم: رازی برای بزرگداشت آموزگار خود بقراط و زنده نگه‌داشتن کتاب او «الفصول» به ویرایش و نقد و بیان دیدگاه‌هایش بر این نوشته، می‌پردازد.

دکتر البرزکی اسکندر متن حاضر را از روی دو نسخه دستنویس یکی از کتابخانه مسجد ایا صوفیه ترکیه که بدون تاریخ است و گویا به سده هفتم هجرت باز می‌گردد و دیگر از کتابخانه دارالکتب مصر، دارای تاریخ رونویسی ۸۵۹ق، را دارد پژوهش کرده است.

نخستین بخش کتاب درباره اسطقس که عنصر اولیه ساخت هر چیز است، سخن می‌گوید. سپس درباره اینکه اجسام یا ریشه آسمانی دارند یا کانی یا گیاهی و یا جانوری دارند. سه تا آخر کانی، گیاهی، حیوانی از زمین (خاک)، آب، هوا و آتش ریشه می‌گیرند.

بخش دوم: درباره آمیزه‌ها (مزاج) گفت‌وگو می‌کند و بخش‌بندی نه گانه آن را که یکی هماهنگ (معتدل) و چهار تا سرد، گرم، خشک، تر و چهار تا ترکیبی از سرد خشک، سرد نمور، گرم خشک، گرم نمور را باز گو می‌کند و فاکتورهای تن هماهنگ و شرایط آن را یادآوری می‌کند.

بخش سوم: درباره آب و هوا و خوراک و داروست.

بخش چهارم: تقسیم‌بندی انواع آب‌ها از آب خوب و بد و انواع آب‌های کانی و کارکرد آنها را در یک تن تندرست و پیامدهای آشامیدن آنها، همچنین و درباره برف و یخ و چگونگی کارکردشان در شکمبه (معده) سخن می‌گوید.

بخش پنجم: ارزش خوراکی‌ها و داروها که چگونه می‌شود برای پاسداشت تندرستی و یا درمان بیماری از کارکرد داروها و خوراک‌ها سود برد.

بخش ششم: درباره ورزش، زمان و مدت و اندازه آن برای افراد متفاوت از نظر سنی، وزنی و نتیجه انجام آن سخن می‌گوید.

بخش هفتم: درباره گرمابه و آب‌تنی کردن، سودمندی‌ها و زیان‌های آن و اندازه ماندن در گرمابه و کارهایی که باید در گرمابه انجام داد تقسیم‌بندی سود و زیان گرمابه برای آدم‌های تندرست و بیمار و چگونگی کاربرد آن سخن می‌گوید. این کتاب طی سی و دو بخش به صد و پنجاه مورد شناخت علوم بهداشتی اشاره می‌کند.

محل تهیه: رسانه‌سرای پروچیستا
تلفن: ۶۶۶۱۹۲۳۲۰

رسانه سرای پروچیستا
مدیر عامل: فرید جمشیدی
شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۸۴ — ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵

یادواره "غلامحسن ساعدی" در لندن

یادواره "غلامحسن ساعدی" در دانشگاه لندن برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، در این برنامه که دوم بهمن (۲۲ ژانویه، ساعت ۱۸) در دانشکده پژوهش‌های آسیایی و آفریقایی دانشگاه لندن برگزار می‌شود، دکتر شاداب وجدی، نسیم خاکسار و محمد جلالی، درباره ساعدی و آثارش سخن خواهند گفت.

غلامحسین ساعدی، متولد ۲۴ دی ماه سال ۱۳۱۴ در تبریز، آثار زیادی را در زمینه‌های داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و ترجمه منتشر کرده است. فیلم «گاو» و «دایره مینا» داریوش مهرجویی به ترتیب براساس داستانی از مجموعه «عزاداران بیل» و داستان «آشغال دونی» او ساخته شده است. ناصر تقوایی نیز «آرامش در حضور دیگران» را براساس داستانی با همین نام از مجموعه «واهمه‌های بی نام و نشان» ساعدی ساخته است.

غلامحسین ساعدی دوم آذرماه سال ۱۳۶۴ درگذشت و در گورستان پرلاشز فرانسه نزدیک صادق هدایت به خاک سپرده شد.

دکتر اکبر ساعدی - برادر این داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس معاصر - به تازگی اعلام کرد در صورت انتشار کتاب‌های غلامحسین ساعدی، «نوشته‌های ناتمام» او نیز در مجلدی منتشر می‌شوند.

مجتبی مینوی در جلد نهم "پژوهشگران معاصر ایران"

جلد نهم مجموعه "پژوهشگران معاصر ایران" اثر هوشنگ اتحاد که احتمالا ۱۲ جلدی خواهد شد، به بررسی زندگی، احوال و آثار مجتبی مینوی اختصاص دارد.

به گزارش ایسنا، در جلد هشتم این اثر که چندی پیش نشر فرهنگ معاصر آن را منتشر کرد، زندگی و آثار حبیب یغمایی و جلال الدین همایی مورد بررسی قرار گرفته بود.

همچنین انتشار فرهنگ ضرب المثل های انگلیسی - فارسی فرید جواهرکلام، فرهنگ فارسی فرید جواهرکلام، فرهنگ فارسی _ تاجیکی به سرپرستی محسن شجاعی، فرهنگ اسلوب‌ها از روبین پاکباز، فرهنگ شیطان رضی خدادادی، فرهنگ معناشناسی کوروش صفوی و مجموعه دو جلدی فرهنگ معارف فرج اله خداپرستی، در دستور کار این موسسه نشر قرار دارد.

"منظومه تهران" محمدعلی سپانلو نیز هفته گذشته از سوی این انتشارات به بازار کتاب راهی شده است.

معمای ایرانی:

منازعه میان ایران و آمریکا

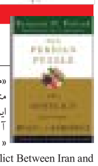

«معمای ایرانی منازعه میان ایران و آمریکا» «The conflict Between Iran and America :PersianPuzzle» نام کتابی است بحث انگیز و پرشمارگان درباره مناسبات ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قلم کنت م. پولاک «تحلیلگر برجسته و آشنای مسایل خاورمیانه و ایران که موسسه «رندام‌هاوس» چندی پیش آن را منتشر کرده است. کنت پولاک پژوهشگر سیاسی سابق سازمان سیا و شورای امنیت ملی در مورد خلیج فارس بوده و هم اکنون مدیر بخش تحقیقات مرکز مطالعات خاورمیانه در موسسه بروکینگز و نویسنده چند کتاب در زمینه مسایل منطقه‌ای است.

ترجمه این کتاب چند روز پس از انتشار، توسط دکتر عرفان قانعی فرد آغاز شد و اکنون یک سال پس از انتشار نسخه اصلی؛ می‌توان امیدوار بود که در صورت همکاری اداره کتاب وزارت ارشاد ترجمه فارسی کتاب در سالروز انقلاب منتشر شود.

هرچند این کتاب در خارج از ایران در بین محافل دانشگاهی عکس العمل های متفاوتی را بر انگیخته، اما در ایران هنوز عکس العمل خاصی مشاهده نشده است. در این راستا مترجم کتاب - که به تازگی ترجمه انقلاب ناممکن نوشته چارلز کورزمن، محقق آمریکایی را به فارسی برگردانده بود - قبل از مسافرت خود در روز جمعه ۹ دی ماه به دانشگاه کارولینای شمالی و انجام تحقیق مشترکش با نویسنده اصلی کتاب؛ در ارسال یادداشتی به روزنامه آسیا چنین نوشته است که: در این کتاب جناب نویسنده در اکثر جاها خود را بی طرف نشان داده است اما متاسفانه در جای جای کتاب نوعی نگرش آمریکایی و به ویژه منفی نگری یک مامور سیا به چشم می‌خورد. در بسیاری موارد مثلا به شخصیت‌های سیاسی ایران توهین کرده است. البته از لحاظ نگارشی سبکی یک دستی خاصی در نثر می‌با توجه به ۸۰۰ منبع مورد استفاده وی به چشم می‌خورد. من این کتاب را صرفا بدین خاطر که نگاه یک آمریکایی مطرح در عرصه سیاست و اتاق فکر حکومت آمریکا را به خواننده ایرانی معرفی کنم ترجمه کرده‌ام. هرچند که خود وی معتقد است که: آمریکا در بیشتر مواقع با درک نکردن ارزش ناسیونالیسم در سراسر جهان به خود ضربه زده است. حس ملی گرایی در ایران بسیار قدرتمند است. ایرانیان سالیان درازی است که نسبت به بیگانگان و بیشتر از همه به آمریکایی‌ها بدبین هستند. البته در این کتاب به عنوان مترجم سعی کرده ام تا در موضعی بی طرفانه در ۸۷۰ پاورقی؛ خواننده را در انتخاب و معرفی مراجع معتبر و یا شناخت اصل ماجرا یاری دهم و در دیار خود با وی هم این مسایل را مطرح خواهم کرد.

پولاک با زمینه‌سازی تاریخی که البته با بررسی و تحلیل ابعاد جامعه‌شناختی و فرهنگی و سیاسی تحولات ایران همراه است بحث را به موضع اصلی می رساند و با طرح این سوال که چرا ایرانیان از ما بیزارند؟ مبحث روابط ایران و آمریکا را می گشاید. به گفته وی این سؤال نخستین بار هنگامی در آمریکا مطرح شد که دانشجویان خط امام در تهران سفارت آمریکا را به اشغال در آوردند و دیپلمات‌ها و تفنگداران آمریکایی را به گروگان گرفتند. پولاک با طرح مباحثی در باره سوء رفتار آمریکا با مردم ایران و دفاع از دیکتاتوری شاه سابق ایران و براندازی حکومت قانونی دکتر محمد مصدق آنچه را اشتباهات آمریکا در برخورد با ایرانیان می خواند، تحلیل می کند و آنگاه به بررسی اشتباهات و معضلات کاخ سفید در رویارویی با ایران در ۲۶ سال گذشته می پردازد..

اکنون با گذشت ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این کشور همچنان بزرگ‌ترین دشمن آمریکا در خاورمیانه و چه بسا در جهان به شمار می آید. به رغم گذشت ربع قرن از آغاز رویارویی با ایران به نظر می رسد که سیاستمداران آمریکایی همچون دوران شاه هیچ تصور روشنی از ایران و چگونگی برخورد مناسب با آن ندارند. پولاک در کتاب خود در صدد برآمده است به این سؤال کلیدی پاسخ دهد که دولت آمریکا برای برخورد با ایران و حل معضل ایران چه سیاستی را باید انتخاب و اجرا کند؟ ترجمه فارسی کتاب معمای ایرانی، نقبی به تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا توسط انتشارات رسا همزمان با سالروز انقلاب منتشر خواهد شد.

شاعران شعر امروز

محمد زندی

قنبر یوسفی متولد چمستان نور است. وی دبیر ادبیات و مشاور ادبی کانون پرورش فکری آمل و همچنین فعال مطبوعاتی بوده که در نشریات هزار، نسیم دریا، قارن و سوردار فعالیت دارد. یوسفی مجموعه شعر "کسی از این شعر سر در می آورد" را در سال ۸۱ توسط نشر واراش وا در آمل منتشر کرد که در تابستان ۸۲ به چاپ دوم رسید. وی در گرد آوری و انتشار اساشعر (اکنون شعر) همکاری داشته است وی تا کنون چند جلد از طنزهای جیبی، به نام‌های بوق هفت بند... را منتشر کرده و سه مجموعه طنز دیگر را نیز در دست دارد وی مجموعه‌های با نبض برگ، همنفس جنگل و یکشنبه‌های ناامید که گزیده شعر شاعران چمستان نور است را گرد آوری و منتشر کرده است.

دیدگاه این شاعر درباره شعر امروز:

وضعیت شعر امروز تابع وضعیت بسیاری از پدیده‌های پیرامونی خود است و نمی توان آن را به طور مجرد بررسی کرد. مثلا یکی از دلایل موقعیت فعلی شعر امروز این است که این هنر در زمان‌های گذشته به عنوان یک رسانه مورد نظر بوده که حتی زبان رسای بسیاری از علوم و فنون دیگر کاربرد داشت اما با کم رنگ شدن این نقش شعر به جهت پاره‌ای از همان پدیده‌های پیرامونی و رسانه‌ای و به نحوی خصوصی و تخصصی شدن کار آمدهای شعر، بخشی از مخاطبان عام تر آن از دست رفته‌اند. با این حال با توجه به اینکه کثرت مخاطب همیشه دلیل بر اهمیت نیست، شعر کار آمدهای خاص خودش را دارد، با این تفاوت که چه مخاطبان و چه شاعران با انتظارات تازه‌تر و جدی‌تری به آن می نگرند.

شعر ۱۹ و ۱۶

دریغا
به افتادنم
چیزی نمانده است
دریغا
درختی دیگر
تابوت می شود
جای نگرانی نیست
هیچ وقت بینمان جدایی نمی افتد
نه من بر زیبایی ات
اگر وا مایی می آورم
نه تو هر لحظه می پرسی:
دوستم داری؟!
جای نگرانی نیست
نه من می بینم
نه تو می توانی
حرف بزنی

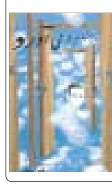

بازی بزرگان

امیر پوریا

کوین کاستنر در «جی. اف. کی»:

عدالت برایم مهم است، نه کندی

این فیلم جی. اف. کی. (الیور استون، ۱۹۹۱) که اخیرا یعنی پنج شنبه هفته پیش دوباره از تلویزیون پخش شد، اتفاقا و استثنائا دوبله‌ای با ترجمه دقیق، سانسور کم و معقول و انتخاب صداهای خوب داشت (مثلا منوچهر اسماعیلی برای شخصیت مرموز دانلد ساترلند و خسرو خسروشاهی برای نقش اصلی که معصوم و مصمم اما حساس و شکننده است). با این دوبلاژ، شاید اهمیت فیلم با ساختار مینیاتوری و بسیار «ریز بافت» اش برای اهل سینما و حتی منتقدان ما که اغلب چیزی کمتر از ۲۰ درصد دیالوگ های انبوه و داستان پیچیده اش را _ حتی با نسخه دی. وی. دی با زیرنویس انگلیسی _ متوجه می‌شدند، بهتر روشن شده باشد و حالا همه بپذیرند که ظرافت‌های تدوینی و فیلمنامه ای و تکنیکی فیلم، آن را از یک «افشاگری» سیاسی صرف بس فراتر می‌برد.

قهرمان این فیلم، دادستان باهوش و انساندوستی به اسم جیم گریسون (کوین کاستنر) است که پرونده ترور جان فیتز جرالد کندی، محبوب ترین رئیس جمهور آمریکا را دوباره باز کرد. با در نظر گرفتن تلاش های جسورانه و همه جانبه او در اثبات این که ترور با توطئه خود دولت آمریکا همراه بوده، قاعدتا می شود این طور فکر کرد که برای گریسون کندی و اجرای عدالت در مورد ترورش، انگیزه تحقیق و محاکمه بوده. اما قرائن مختلفی هست که فراتر از این حرف ها، تعلق خاطر گریسون نسبت به مفهوم کلی عدالت را حتی در بعد تقدیری اش نشان می دهد؛ نه فقط عدالت اجتماعی یا قضایی.

از جمله، این نشانه ها در بازی کوین کاستنر طی صحنه‌ای عیان است که دیو (جو پشی) بعد از اعترافات مهم اش برای گریسون، یکهو به گریه می افتد و مثل یک درد دل عمری و تاریخی، انگار به خودش، می گوید که همه عشق و امیدش کشیش شدن بود و کلیسا بابت «یک اشکال کوچیک کثیف» که همان انحراف جنسی یا همجنس گرایی باشد، او را نپذیرفت و حالا دارد در زندگی کثیف و آشفته اش دست و پا می زند. واکنش گریسون به گریه دیو، با وجود آن ظاهر عجیب و مضحک دیو که داد می زند مشکل جنسی دارد، جدی گرفتن کامل غم و غصه اوست. با وضع و حال و ترس دیو، می شود فکر کرد که این گریه و درد دل هم چندان جدی و همدلی برانگیز نیست. ولی گریسون باورش می کند و برایش دل می سوزاند؛ چون حتی شرایط جسمانی غیرطبیعی دیو هم به نظرش نوعی بی عدالتی می آید و با وجود این که راه حلی ندارد، دست کم او را به دلداری دادن به دیو گریان وا می دارد.

کاستنر در نماهایی کوتاه که با نزدیک شدن دوربین به چهره اش همراه است، گریسون را با چشمانی غمبار و با حسی از رنج کشیدن بر اثر شنیدن رنج مزمن زندگی دیو، متمرکز بر غم و گریه او نشان می دهد. به نظر می رسد که تضاد ظاهر مسخره دیو با گله جدی اش از خلقت خود و سرنوشتی که برایش مقدر شده، می توانست باعث خنده ما شود و این حالت متین و عمیق و به فکر فرو رفته کاستنر است که مانع خندیدن می شود و نوعی سمپاتی پیش بینی نشده برای دیو مفلوک، در ما پدید می آورد. فقط کمی بعدتر، وقتی می فهمیم که دیو را بابت همان اطلاعاتی که داده، ناگهان کشته‌اند، تازه ارزش آن سمپاتی ناشی از بازی کوین کاستنر برایمان روشن می شود.

مقام موسیقایی

بیست و هشتمین شماره از ماهنامه مقام موسیقایی و یژه آذر ۸۴ با آثاری درخصوص طنز موسیقایی، موسیقی ملل، منطق سرمایه‌داری و موسیقی یادداشتی درباره استاد فرامرز پایور و... توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد.

در این شماره می خوانیم:

«منطق سرمایه داری و ملاط موسیقی»، «نگاهی به مباحث موسیقایی» از حجه الاسلام علی دارابی (بخش اول)، «ماندگاری چهره‌ها» از رضا مهدوی، «واقعیت‌های دور از چشم»؛ در حاشیه تعیین روز ملی موسیقی ایران از سیدعلیرضا میرعلی نقی، «چشم بستن بر واقعیت‌ها» در مخالفت شورای فرهنگ عمومی با اعلام روزی به عنوان روز ملی موسیقی از سید ابوالحسن مختاباد، «پاسداشت عمری تلاش صادقانه» پیشنهادی برای نامگذاری روز ملی موسیقی ایرانی از رضا مهدوی، «موسیقی کلاسیک غربی به چه اعتباری موسیقی بین المللی است؟» از رضا مهدوی، «آب در هاون کوفتن» از آمن خادمی، «گندم گل گندم»؛ بررسی ترانه‌های تخت حوضی از مریم لاهه مطلق، «تاثیر انواع موسیقی بر فرآیندهای فطری» از عماد توحیدی، «موسیقی کوبا» نوشته جنیفر بروژنسکی و ترجمه پروین قائمی، «تغنی» ترجمه فراز مجیبی (بخش دوم)، «رولینگ استونز» از فواد توحیدی، «بررسی و یژگی های صندلی مناسب برای نوازندگان» ترجمه شقایق پژهانفر، «کوارتت‌های بتهوون» ترجمه همایون نوراحمد، «دوام معصومیت در غیبت صدا» به یاد نعمت اله آغاسی از سیدعلیرضا میرعلی نقی، «گزارشی از مراسم تشییع جنازه مرحوم نعمت اله آغاسی»، «کمبودها در شناخت است» گفت‌وگو با فتانه شاهین از علیرضا ادیب، «سلطان سبک سوئینگ» ترجمه قوام طباطبایی زواره، «موسیقی تلفیقی دکتر کیلو یی و یدک کش مارا» طنزی از جهانگیر دانای علمی، «... که دوست آیینه باشد چو اندر او نگری» از جهانگیر نصری اشرفی، «آنچه خود داشت...» نگاهی اجمالی بر موسیقی بومی به بهانه موسیقی تیتراژ مجموعه تلویزیونی شب‌های برره از مریم بردباری و «روایت بار ریتم» یادداشتی بر نوار کولی کوبی از سیدعلیرضا میرعلی نقی.

ماهنامه مقام موسیقایی به صاحب امتیازی حوزه هنری، مدیر مسوولی دکتر حسن بنیانیان و سردبیری رضا مهدوی هم اکنون در پیشخوان روزنامه‌فروشی هاست.

محل تهیه: رسانه‌سرای پروچیستا
تلفن: ۶۶۶۱۹۲۳۲۰

پیشنهاد روز

شهریار وقفی پور

ای‌تی: موجود ماورای زمینی

اگر اتفاقی چند باری این ستون را خوانده باشید، شاید دستتان آمده باشد که یکی از مراجع هنری من دخترم است. هر داستان و فیلم و کارتونی را که او تأیید کند، من هم در بست می‌پذیرم (فعلاً منتظرم وقتی پیدا شود تا با هم «چارلی و کارخانه شکلات سازی» را ببینیم و بعد نظرم را در مورد این فیلم بنویسم؛ آخر مشکلی که ما پیدا کرده ایم، این است که فعلاً فقط آخر هفته هم دیگر را می‌بینیم و این مدت، آخر هفته‌ها هم فرصت چندانی نداشته‌ایم). و اما یکی از فیلم‌های محبوب دخترم «ای تی: موجود ماورای زمینی» است و تا به حال چند تا عروسک ای تی هم گرفته است و فیلمش را هم سه چهار باری با هم دیده‌ایم. همه هم که حتماً خبر دارید: «چنل ۴» لیستی از عناوین فیلم‌های خانوادگی را در سایت اینترنتی‌اش گذاشته بود و از مردم خواسته بود برترین فیلم خانوادگی را این وسط انتخاب کنند. نتیجه نظرسنجی هم این می‌شود که «ای تی» فیلم کلاسیک محصول سال ۱۹۸۲ بالای فهرست ۱۰۰ تایی قرار می‌گیرد.

اسپیلبرگ، کارگردان این فیلم، بعد از ساخت چند پروژه پرهزینه دلش هوای ساخت قصه‌ای را کرده بود که چند سالی توی سرش بود و می‌گفت می‌خواهد با هزینه کم این فیلم را بسازد. قصه فیلم را برای یک سناریونویس تعریف می‌کند. فیلم‌نامه‌نویس اول زیر بار نمی‌رود، اما بعد راضی می‌شود و آخر کار از اسپیلبرگ تشکر هم می‌کند که اصرار کرده بوده این فیلم‌نامه را بنویسد. نتیجه فیلم هم که باورنکردنی بوده: پرسودترین فیلم تاریخ سینمای امریکا (البته باید در این جا به نسبت هزینه و فروش توجه کرد). بعد از «ای تی» ۹ تای اول از این قرارند: شرک۱، مری پاپینز، دزدان دریایی کارائیب، قصه اسباب بازی۱، شیرشاه۱، بازگشت به آینده، ویلی وانکا و کارخانه شکلات (با فیلم برتون اشتباه نشود، در این فهرست صدتایی خبری از این فیلم نیست)، جنگ ستارگان (محصول ۱۹۷۷) و جادوگر شهر از (محصول ۱۹۳۹). از این فهرست، «جادوگر شهر از» هم برای خودش عالمی دارد. این فیلم بعدها به یک فیلم آئینی یا کالت تبدیل شد و از یک طرف شد محبوب خانواده‌ها، از یک طرف محبوب برخی هیپی‌ها و مغضوب برخی هیپی‌های دیگر. دوستی در مقاله‌ای نوشته بود که برخی از هیپی‌ها اساساً معتقد بودند این فیلم در مورد اعتیاد است و مترسک فیلم، معتاد بدبختی است که از بس مواد مخدر مصرف کرده، مخش تعطیل شده است. کل شهر «از» هم که همان عالم هپروت است. بعضی هم می‌گفتند آلبوم «سمت تاریک ماه» پینک فلوید هم بر اساس این فیلم ساخته شده است و اگر با سومین غرش شیر مترو گلدوین مایر، «سمت تاریک ماه» را هم بگذاریم، به توازی‌های جالبی می‌رسیم؛ مثلاً وقتی مترسک پیدایش می‌شود، ترانه «مجنون یا ماه‌زده» شروع می‌شود و چند تا توازی دیگر که الان یادم نمی‌آید. مثل این که کار بعداً به جوری بیخ پیدا می‌کند که اعضای گروه پینک فلوید رسماً این موضوع را تکذیب می‌کنند؛ اما یک مدتی چند تا سینما توی امریکا اساساً به پخش هم‌زمان آلبوم و فیلم اختصاص داده شدند. خب، بد نیست همگی بنشینیم یک دوره‌ای بگذاریم و خودمان این کار را بکنیم. من یکی که پایه‌ام. پس بعد از «ای تی»، پیش به‌سوی اجرای هم‌زمان «جادوگر شهر از» و «سمت تاریک ماه»!

از هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: از هر دست بدهی، از همان دست پس می‌گیری... یک داستان، یک تجربه یک اشاره گاه می‌تواند تاثیرگذارترین باشد و به ما یادآوری کند که همه چیز در دست می‌شود. این کتاب دوزبانه توسط زهره زاهدی گردآوری و ترجمه شده است.
تاریخ چاپ: ۱۳۸۴
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول

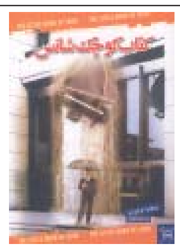

کتاب کوچک شانس

کتاب کوچک شانس آن‌قدر کوچک است که در جیب شما جا می‌شود و با این وجود آن‌قدر قوی است که می‌تواند زندگی‌تان را تغییر دهد. یک راهنمای استثنایی شامل نکته، ترفندها و توصیه‌هایی مفید برای جذب خوش شانسی. نویسنده این کتاب ریچارد وایزمن و مترجم آن حسام اتابک است.
تاریخ چاپ: ۱۳۸۴
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول

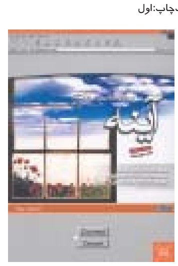

آینه

یک داستان کوچک از یک خانواده کوچک در یک کلبه کوچک... و خدایی که ما را دوست دارد با وجود همه زشتی‌های درون‌مان. چون مال او هستیم... این کتاب دوزبانه توسط زهره زاهدی گردآوری و ترجمه شده است.
تاریخ چاپ: ۱۳۸۴
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: سوم

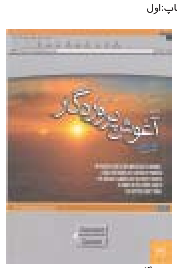

آغوش پروردگار

ای خدای بزرگ که در آسمانی... دعا می کنم. راز و نیاز می کنم و با این کار احساس خوبی می‌یابم. می‌دانم چه می‌گویی و مرا همانطور که هستم می‌بخشی... این کتاب دوزبانه توسط زهره زاهدی گردآوری و ترجمه شده است.
تاریخ چاپ: ۱۳۸۴
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: دوم

آقای صدا (۴۵)

زندگینامه چنگیز جلیلوند

ایرج باباحاجی

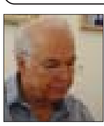

آن زمان استودیوهای زیادی داشتیم که صاحبان آن از بچه‌های ارامنه بودند و

چنگیز جلیلوند درباره اوج شکوفایی دوبله و پیشرفت روزافزون آن به بخش خصوصی و استودیوهای فعال آن زمان اشاره می‌کند که در این عرصه فعال بودند و هر کدام سعی می‌کردند فیلم‌های بهتری را وارد کنند و با گویندگان درجه یک آن را دوبله و عرضه کنند. مدیران استودیوها همیشه به دنبال بهترین‌ها بودند. بهترین وسایل صدابرداری، بهترین استودیوها و بالاترین دستمزدها در خدمت فیلم بود تا آن اثر تبدیل به شاهکار شود.

همیشه سعی می‌کردند از بهترین سینماها و بهترین اکران‌ها استفاده شود. چرا؟ چون رقابت وجود داشت و این رقابت همیشه موجب شکوفایی می‌شد و نام‌ها شکل می‌گرفت. نام‌هایی که مدیران دوبلاژ به دنبال آن بودند تا اثر خود را با این گویندها جاودان کنند. بحث را به سوی استودیوها می‌کشانم. می‌گوید: آن زمان استودیوهای زیادی داشتیم که صاحبان آنها از بچه‌های ارامنه بودند. اینها چون بیشتر فنی بودند سعی می‌کردند استودیو ایجاد کنند. استودیوهایی چون شاهین فیلم، DCI سیرا فیلم که در کار تهیه فیلم فارسی هم فعال بود. استودیو مولن روژ، استودیو دماوند، استودیو پلازا، استودیو شهاب، استودیو مهرگان، پاسارگاد، البرز، ایران فیلم، پارس فیلم و همچنین اطلس فیلم در خیابان ارباب جمشید که از قدیمی‌ترین استودیوهای لاله‌زار بود. استودیو D.C.I از پرکارترین استودیوها بود که با مدیران دوبلاژی چون فریدون ثقفی، هوشنگ کاظمی و کنعان کیانی کار می‌کرد. پرویز بهرام هم از اعضای این استودیو بود و برادران مصیبی هم در این استودیو مشغول به کار صدابرداری بودند. مهدی مصیبی یکی از سرشناس‌ترین نام‌های صنعت سینما بود. او خیلی صمیمی و لوطی مسلک بود و برای ساخت و تهیه فیلم از جان و دل مایه می‌گذاشت. خرجی که او برای بابا شمل کرد در آن زمان زبانزد بود.

این برادران سیرا فیلم را داشتند و سینما گلدیس هم برای آنها بود. احمد مصیبی دیگر برادرشان افسر شهربانی بود و در کار صدابرداری نیز وارد بود. مهدی مصیبی به همراه برادرش فریدون تهیه کننده فیلم بابا شمل بودند. بابا شمل یک فیلم رنگی و موزیکال و پرهزینه بود که موفقیت تجاری چندانی به دست نیاورد و بسیار ضرر داد. مهدی مصیبی در دومین تجربه با علی حاتمی با استودیو سیرا فیلم حاضر به سرمایه‌گذاری در فیلم طوقی شد که از نظر تجاری موفق شد و پول خوبی را برگرداند. مهدی مصیبی آن زمان تهیه کننده خوبی بود اما بدهی های سنگین بابا شمل برای او مشکلاتی را به وجود آورد که او مجبور به ترک کشور شد. برادران او به دست و پا و تکاپو افتادند و بدهی های او را جبران کردند تا این برادر با سربلندی باز گردد. بهروز وثوقی با ارادتی که به این فرد داشت و جزو دوستان صمیمی همدیگر بودند نسبت به او می گوید: مصیبی تهیه کننده درجه یکی بود برای جبران بدهی های او به سراغ فریدون گله رفتم و از او پرسیدم داستانی داری؟ گله فیلمنامه شنه را پیشنهاد کرد. بعد از این پیشنهاد به همراهی برادران مصیبی سناریو آماده و بازیگران تماما به صورت رفاقتی آماده می شوند تا بعد از اکران دستمزد خود را دریافت کنند. سیرا فیلم کار تهیه کنندگی فیلم را به عهده می گیرد و این داستان جالب تبدیل به فیلمی پرفروش می شود. فروش خوب فیلم و هنرنمایی بهروز وثوقی و گویندگی لکنت وار چنگیز جلیلوند با تکیه کلام (انقده خوبه) باعث می شود مصیبی از آلمان برگردد و مقدار زیادی از بدهی هایش را بپردازد و دوباره مشغول کار تهیه کنندگی فیلم شود.